



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

**سیر تفسیر فلسفی قرآن کریم**

**از ابن سینا تا ملاصدرا**

**(با تأکید بر ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا)**

استاد راهنما

حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد عابدی

استادان مشاور

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدمهدی گرجیان

جناب آقای دکتر هادی وکیلی

نگارش و پژوهش

سید ابوالفضل سیدی دمیرچی

1384

بَلِّغْ أُمَّتَكُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ. (نمل/ 36)

هدیه

به پیشگاه مقدس

حضرت بقیه الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء  
«يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ  
تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ» (يوسف/ 88)

### تقدیر و تشکر

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا (اعراف/43)

حمد و سپاس شایسته خداوندی است که به انسان خواندن و نوشتن آموخت و به فضل و لطف بی کرانش بر ما منت نهاد و قرآن و بیان را تعلیم فرمود. سلام و درود ابدی بر پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) باد که به یاری آنان حقایق کتاب الهی تبیین می‌گردد. سپاس خدایی را که به ما توفیق عطا فرمود تا در پرتو تمسک به خاندان وحی، در خدمت به ساحت مقدس قرآن کریم کوشا باشیم.

در اینجا لازم است از اساتید فرهیخته و ارجمند، جناب حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد عابدی که سمت راهنمایی و حضرت حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان و آقای دکتر هادی وکیلی که سمت مشاورت را برعهده داشته‌اند، کمال تشکر را بنمایم. همچنین از همه کسانی که مرا در تهیه این اثر یاری نموده‌اند، بویژه از تک تک افراد خانواده خویش که با صبر جمیل، زمینه‌های آسایش فکری و پژوهشی را برای اینجانب فراهم آوردند، تشکر می‌کنم. امید است تلاش‌های خالصانه همه خادمان قرآن کریم مورد رضای خداوند متعال قرار بگیرد.

### چکیده

این پژوهش به سیر تفسیر فلسفی قرآن کریم از ابن سینا تا ملا صدرا می‌پردازد. در واقع سؤال اصلی این است: «سیر تفسیر فلسفی قرآن کریم از ابن سینا تا ملا صدرا به چه شکلی بوده است؟» در پاسخ به این سؤال و با مطالعه آثار قرآنی فلاسفه، سه رویکرد متمایز پدیدار می‌شود: (1) استحسان فلسفی (2) تحلیل فلسفی (3) تأویل فلسفی

استحسان فلسفی استفاده تیمنی و تبرکی از آیات قرآن کریم است. تحلیل فلسفی، شرح آیات قرآن کریم بر اساس زبان فلسفی و بدون انطباق مبانی و داده‌های فلسفی بر آنهاست. تأویل فلسفی انطباق مصداقی آیات قرآن کریم بر مبانی و داده‌های فلسفی می‌باشد. این پژوهش بر آن است تا سیر این سه رویکرد تفسیر فلسفی را با توجه به فلسفه هر فیلسوف و تأثیر آن در تفسیر فلسفی او و همچنین فلاسفه پس از خود بررسی نماید. این بررسی با مقایسه رویکردهای هر فیلسوف با همدیگر و همچنین رویکردهای مشابه در فلاسفه گوناگون صورت خواهد پذیرفت.

### واژگان کلیدی

قرآن کریم، تفسیر، تأویل، محکم، متشابه، تفسیر فلسفی، استحسان فلسفی، تحلیل فلسفی، تأویل فلسفی، کندی، فارابی، اخوان الصفاء، ابن سینا، شیخ اشراق، ابن رشد، خواجه نصیر الدین طوسی، میر داماد و ملا صدرا.

## فهرست مطالب

- 1 ... مقدمه: طرح تحقیق
- 2 ... مقدمه (1)
- 3 ... سؤال اصلی پژوهش (2)
- 3 ... سوالات فرعی (3)
- 4 ... فرضیات پژوهش (4)
- 4 ... شیوه‌های تفسیر فلسفی (5)
- 5 ... اهمیت و ضرورت پژوهش (6)
- 5 ... فایده پژوهش (7)
- 6 ... سابقه پژوهش (8)
- 6 ... هدف پژوهش (9)
- 6 ... محدوده مطالعاتی (10)
- 6 ... روش پژوهش (11)
- 8 ... محدودیتها (12)
  
- 9 ... بخش اول: کلیات
- 10 ... فصل اول: تفسیر

- 1- معنای لغوی تفسیر ... 11
- 2- ریشه لغوی تفسیر ... 14
- 3- معنای اصطلاحی تفسیر ... 16
- 4- واژه «تفسیر» در قرآن کریم ... 19
- فصل دوم: تأویل ... 21
- 1- ریشه لغوی تأویل ... 22
- 2- معنای لغوی تأویل ... 23
- الف: معانی مصدری تأویل ... 23
- ب: معانی وصفی تأویل ... 24
- 3- معنای اصطلاحی تأویل ... 24
- الف) تأویل به معنای تفسیر «متقدمین» ... 24
- ب) تأویل به معنای عدول از ظاهر «متأخرین» ... 25
- ج) تأویل به معنای نفس مراد از کلام «ابن تیمیه» ... 27
- د) نظریه علامه طباطبایی درباره تأویل ... 28
- ه) نظریه آیه الله معرفت درباره تأویل ... 32
- و) نظریه دکتر نصر حامد ابوزید درباره تأویل ... 33
- ز) نظریه آیه الله سبحانی درباره تأویل ... 33
- ح) تأویل تطبیقی ... 34
- ط) تأویل مذموم (به معنای تفسیر برأی) ... 34
- 4- واژه تأویل در قرآن کریم ... 35
- الف) تأویل به معنای ارجاع ... 35
- ب) تأویل به معنای تفسیر ... 35

- 36 (ج) تأویل به معنای ابتدا و انتهای امر ...
- 37 5- ضرورت تأویل ...
- 37 6- اقسام تأویل ...
- 38 7- ملاک حجیت تأویل ...
- 39 فصل سوم: تفاوت تفسیر و تأویل ...
- 44 فصل چهارم: محکم و متشابه ...
- 45 (1) معنای لغوی محکم و متشابه ...
- 45 (2) معنای اصطلاحی محکم و متشابه ...
- 48 (3) اقسام متشابه ...
- 49 (4) انواع متشابه ...
- 50 (5) قلمرو تأویل در آیات قرآن کریم ...
- 51 (6) عالمان تأویل ...
- 51 الف) مفهوم راسخین در علم ...
- 52 ب) مصادیق راسخین در علم ...
- 55 فصل پنجم: روش‌های تفسیر قرآن کریم ...
- 56 (1) واژه‌های کلیدی ...
- 58 (2) تقسیمات مختلف روش‌های تفسیری ...
- 63 (3) تفسیر به رأی ...
- 65 (4) تفسیر نقلی ...
- 67 (5) تفسیر عقلی ...
- 68 الف) معنای لغوی عقل ...
- 68 ب) معنای اصطلاحی عقل ...



- 6) دلایل مخالفان تفسیر عقلی و انحصار گرایان تفسیر نقلی ... 71
- 1) دلیل عقلی ... 71
- 2) آیات ... 72
- 3) روایات ... 74
- 7) دلایل موافقان تفسیر عقلی ... 77
- 1) آیات ... 77
- 2) روایات ... 78
- الف: روایات عرضه سنت به قرآن ... 78
- ب) روایات استشهدای قرآن بر احکام شرعیه ... 79
- 3) دلیل عقلی ... 80
- 4) بنای عقلاء ... 80
- 5) سیره علماء ... 80
- بخش دوم: تفسیر فلسفی ... 81**
- 1) در آمدی بر تفسیر فلسفی قرآن کریم ... 82
- 2) موضوعات مشترک فلسفه و قرآن ... 83
- 3) وحی و نبوت، امور اعتباری یا حقیقی؟ ... 84
- 4) تعریف تفسیر فلسفی ... 86
- 5) فلاسفه و قرآن کریم ... 86
- 6) شیوه‌های تفسیری فلاسفه و تفسیر برای ... 87
- 7) تفسیر فلسفی از دیدگاه دانشمندان اسلامی ... 87
- 8) اشتراکات فکری فلاسفه در تفسیر فلسفی قرآن کریم ... 89

- فصل اول: ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (158 - 252 ه.ق) ... 90
- تعامل فلسفه و دین از دیدگاه کندی ... 92
- کندی و تفسیر قرآن کریم ... 94
- الف) تحلیل فلسفی ... 94
- ب) تأویل فلسفی ... 96
- فصل دوم: ابو نصر محمد بن محمد فارابی (339-259 ه.ق) ... 97
- فارابی و تفسیر قرآن کریم ... 101
- الف) استحسان فلسفی ... 101
- ب) تفسیر فلسفی ... 102
- 1) تحلیل فلسفی ... 102
- 2) تأویل فلسفی ... 104
- فصل سوم: اخوان الصفاء (قرن چهارم هجری قمری) ... 105
- اخوان الصفا و تفسیر قرآن کریم ... 108
- الف) تفسیر عرفانی ... 108
- ب) تفسیر فلسفی ... 110
- 1) تحلیل فلسفی: ... 110
- 2) تأویل فلسفی ... 111
- فصل چهارم: ابوعلی حسین بن عبدالله ابن سینا (370 - 428 ه.ق) ... 115
- ابن سینا و هماهنگی فلسفه و دین ... 117
- آثار تفسیری ابن سینا ... 117
- ابن سینا و تفسیر قرآن کریم ... 119
- الف) شیوه استحسانی ... 119

- 120 (ب) شیوه‌های تفسیری ابن سینا...  
121 (1) تفسیر لغوی...  
122 (2) تفسیر علمی...  
124 (3) تفسیر عرفانی...  
124 (4) تفسیر فلسفی...  
125 الف) تحلیل فلسفی...  
125 ویژگی های تحلیل فلسفی ابن سینا...  
125 نمونه‌هایی از تحلیل فلسفی ابن سینا...  
134 (ب) تأویل فلسفی...  
134 ویژگی های تأویل فلسفی ابن سینا...  
135 نمونه‌هایی از تأویل فلسفی ابن سینا...  
140 فصل پنجم: شهاب الدین یحیی سهروردی (549 یا 551 - 587 ه ق)...  
142 ماهیت فلسفه اشراق...  
144 آثار تفسیری شیخ اشراق...  
145 شیخ اشراق و تفسیر قرآن کریم...  
145 الف) استحسان فلسفی...  
149 (ب) شیوه تفسیری...  
149 (1) تحلیل فلسفی...  
149 ویژگی های تحلیل فلسفی شیخ اشراق...  
149 نمونه‌هایی از تحلیل فلسفی شیخ اشراق...  
153 (2) تأویل فلسفی...  
153 ویژگی های تأویل فلسفی شیخ اشراق...

- 154 نمونه‌هایی از تأویل فلسفی شیخ اشراق ...
- فصل ششم: محمد بن احمد بن رشد (520 - 595 ه ق) ... 160
- ابن رشد و تفسیر قرآن کریم ... 162
- (1) تحلیل فلسفی ... 162
- (2) تأویل فلسفی ... 163
- فصل هفتم: محمد بن محمد بن حسن طوسی (597 - 672 ه ق) ... 164
- خواجه طوسی و تفسیر قرآن کریم ... 165
- الف) شیوه استحسانی ... 165
- ب) شیوه‌های تفسیری خواجه نصیرالدین طوسی ... 167
- (1) تفسیر عرفانی ... 167
- (2) تفسیر فلسفی ... 170
- الف) تحلیل فلسفی ... 170
- ب) تأویل فلسفی ... 171
- فصل هشتم: میر محمد باقر بن میر شمس الدین محمد فندرسکی (میرداماد) ... 174
- میرداماد و تفسیر قرآن کریم ... 175
- الف) تحلیل فلسفی ... 175
- ب) تأویل فلسفی ... 176
- فصل نهم: محمد بن ابراهیم صدر الدین شیرازی (صدر المتألهین) (979-1050 ه ق) ... 178
- ماهیت حکمت متعالیه ... 180
- آثار ملاصدرا ... 182
- آثار تفسیری ملاصدرا ... 183

- 184 ملا صدرا و تفسیر قرآن کریم ...
- 184 الف) استحسان فلسفی ...
- 184 ب) مناہج تفسیری ملا صدرا ...
- 185 (1) تفسیر ادبی ...
- 185 (2) تفسیر کلامی ...
- 185 (3) تفسیر روایی ...
- 185 (4) تفسیر قرآن به قرآن ...
- 186 (5) تفسیر علمی ...
- 187 (6) تفسیر فقهی ...
- 188 (7) تفسیر عرفانی ...
- 188 (8) تفسیر موضوعی ...
- 189 (9) تفسیر جامع ...
- 189 (10) تفسیر فلسفی ...
- 189 الف) تحلیل فلسفی ...
- 189 ویژگیهای تحلیل فلسفی ملا صدرا ...
- 190 نمونه هایی از تحلیل فلسفی ملا صدرا ...
- 200 ب) تأویل فلسفی ...
- 200 ویژگی های تأویل فلسفی ملا صدرا ...
- 201 نمونه هایی از تأویل فلسفی ملا صدرا ...
- 207 فصل دهم: مقایسه تطبیقی موضوعات مشترک تأویلی میان فلاسفه اسلامی ...
- 209 تفسیر آیه نور ...

- 215 ... **خاتمه**
- 218 ... توضیحاتی درباره جداول و نمودارها
- 243 ... **فهرست منابع**
- 243 ... الف) منابع فارسی
- 248 ... ب) منابع عربی
- 253 ... ج) مقالات

## فهرست جداول و نمودارها

### 220 ... جداول

- 221 ... جدول شماره 1: تأویلات آیه نور
- 223 ... جدول شماره 2: تأویل قرآنی کندی
- 223 ... جدول شماره 3: تأویلات قرآنی فارابی
- 224 ... جدول شماره 4: تأویلات قرآنی إخوان الصفاء
- 225 ... جدول شماره 5: تأویلات قرآنی ابن سینا
- 227 ... جدول شماره 6: تأویلات قرآنی شیخ اشراق
- 230 ... جدول شماره 7: تأویلات قرآنی خواجه نصیر الدین طوسی
- 231 ... جدول شماره 8: تأویلات قرآنی میرداماد
- 231 ... جدول شماره 9: تأویلات قرآنی ملاصدرا

### 236 ... نمودارها

- 237 ... نمودار شماره 1: نمودار ستونی مقایسه کمی شیوه‌های تفسیر فلسفی هر فیلسوف
- 238 ... نمودار شماره 2: نمودار سیر استحسان فلسفی
- 239 ... نمودار شماره 3: نمودار سیر تحلیل فلسفی
- 240 ... نمودار شماره 4: سیر تأویل فلسفی

نمودار شماره 5: سیر قرآنی شدن فلسفه... 241



مقدمه:

# طرح تحقیق

## 1) مقدمه

تاریخ تفسیر قرآن کریم به عصر بعثت، بر می‌گردد. روح حقیقت‌طلبی و جستجوی مفاهیم فطری که در آیات قرآن کریم متجلی شده بود، مسلمانان را بر آن می‌داشت تا در پی کشف حقایق مفاهیم الهی این آیات بر آیند. روایات بسیاری که در مذمت تفسیر به رأی از همان عصر و همچنین در عصر ائمه معصومین «علیهم‌السلام» صادر شده است، نشانگر عمق توجه مسلمانان به آیات وحی و البته پرهیز از گمراهی‌های احتمالی می‌باشند. پس از تشکیل نحلّه‌های گوناگون فکری و نظام‌های متعدد عقلی — دینی در عالم اسلام، امر تفسیر قرآن کریم، شکلی جدی‌تر و سازمان‌یافته‌تر پیدا کرد. دانشمندان هر نظام فکری، از زاویه دید خویش به آیات الهی نگریسته و بر همان اساس آنها را تفسیر می‌نمودند. در این میان فلاسفه نیز به شکلی سازمان‌یافته و همگام، با مبانی و مفاهیم فلسفی و دینی، در این امر مهم وارد شدند. دقیقاً همان زمان که کندی به عنوان اولین فیلسوف عالم اسلامی مطرح می‌شد، تفسیر فلسفی او نیز خود را نشان می‌داد آنچه از مطالعه آثار تمامی اندیشه‌های فکری دانشمندان اسلامی به دست می‌آید، این است که تمامی آنان از پیش فرضهایی کم و بیش یکسان، در مواجهه با آیات الهی سود می‌جستند:

1. قرآن کریم وحیی است که از جانب خداوند متعال فرو فرستاده شده است.
2. قرآن کریم قابلیت تفسیر با آموزه‌های خاص اندیشه فکری آنان دارد.

3. قرآن کریم با آموزه‌های آنان متعارض نیست.

فلاسفه نیز از این پیش فرضها مستثنی نیستند:

1. قرآن کریم را وحی الهی می‌دانند.

2. قابلیت تفسیر فلسفی برای آیات الهی قائلند.

3. به نفی تعارض میان فلسفه و قرآن و به تعبیر دیگر، عقل و دین معتقدند.

فلاسفه بعنوان بالاترین جلوه عقل بشری و قرآن کریم به عنوان بالاترین جلوه وحی الهی، در تعاملی تنگاتنگ، تفسیر فلسفی را تجسم می‌بخشند، که به نوعی حکایت از شدت تعبد فلاسفه به آیات الهی دارد.

آنان در التزام به حجیت آیات وحی تا جایی پیش رفتند که در مقام تعارض ظاهری مابین مفاهیم عقلی و فلسفی با این آیات، حجیت آیات را انکار کرده و با تمسک به قرآن کریم در پی تأویلات عقلانی آن بر آمدند. این کار بر خلاف آنچه امروزه پنداشته می‌شود، نه امری مذموم و ناپسند بلکه مقبول و پسندیده و حاکی از شدت تعبد فلاسفه به قرآن کریم و حجیت آن و سعی آنان در فهم آیات الهی است.

آنچه بر خطا و اشتباه بود، مفاهیم علمی و فلسفی مقید به زمان و مکان بود، که خاصیت ابطال پذیری داشت نه التزام عقلی و دینی فلاسفه به آیات الهی، و حجیت آن و اشتباهات تفسیری دیگر اندیشه‌های تفسیری نه کمتر از اشتباهات تفسیری فلاسفه بود، که گاه بیشتر و از لحاظ اعتقادی خطرناکتر و گمراه کننده‌تر.

## (2) سؤال اصلی پژوهش

سیر تفسیر فلسفی قرآن کریم از ابن سینا تا ملاصدرا به چه شکلی بوده است؟ این سؤال در درون خویش سؤالات فرعی دیگری را در بر دارد.

**3) سوالات فرعی**

- الف) فلاسفه در مواجهه با آیات قرآن کریم، چه موضعی را اتخاذ نموده و از چه شیوه‌هایی استفاده کرده‌اند؟
- ب) میزان تأثیر شیوه فلسفی هر فیلسوف در فیلسوفان بعد چگونه ارزیابی می‌شود؟
- ج) آیا فلاسفه روش‌های رسمی مفسران دیگر را نیز داشته و از آنان متأثر بوده‌اند؟
- د) میزان تأثیر مبانی فلسفی هر فیلسوف، در تفسیر فلسفی او از آیات قرآن کریم، چگونه ارزیابی می‌شود؟

**4) فرضیات پژوهش**

- الف) فلاسفه در مواجهه با قرآن کریم، از سه شیوه استحسان فلسفی، تحلیل فلسفی، و تأویل فلسفی استفاده کرده‌اند.
- ب) هر فیلسوف در تفسیر فلسفی خویش متأثر از فلاسفه پیش از خود است.
- ج) بعضی از فلاسفه روش‌های رسمی مفسران دیگر را داشته و از آنها متأثر بوده‌اند.
- د) هر فیلسوف در تفسیر فلسفی خود، متأثر از مبانی فلسفی خویش است.

**5) شیوه‌های تفسیر فلسفی<sup>1</sup>**

- الف) استحسان فلسفی: در این شیوه، هدف فیلسوف در استفاده از آیات قرآن کریم، تنها صرف تيمن و تبرک است نه چیزی بیش از آن.
- ب) تحلیل فلسفی: در این شیوه، آیات قرآن کریم را اصل قرار داده و با زبان

---

1. در این پژوهش، شیوه به معنایی مغایر با روش بکار رفته است. زیر شاخه‌ها و اقسام روش، شیوه نامیده می‌شود. به عنوان مثال می‌گوییم: روش تفسیر فلسفی به دو شیوه تحلیل فلسفی و تأویل فلسفی تقسیم می‌شود.

فلسفی آنها را شرح می‌دهد.

ج) تأویل فلسفی: در این شیوه، فیلسوف مبانی فلسفی خود را اصل قرار داده و آیات قرآن کریم را از حیث مصداق بر آن منطبق می‌سازد. نکته قابل توجه آن که نه اصل قرار دادن قرآن کریم در تحلیل فلسفی، آن را فراتر از تأویل فلسفی قرار می‌دهد و نه فرع بودن قرآن کریم در تأویل، آن را فروتر از تحلیل فلسفی. این دو فقط، شیوه مواجهه با قرآن کریم می‌باشند. تحلیل فلسفی از جهت مبانی علوم قرآنی، تفسیر و تأویل فلسفی، تأویل نامیده می‌شود. تفسیر فلسفی به معنای عام خویش، شامل دو شیوه تحلیل فلسفی و تأویل فلسفی می‌شود. در این میان، استحسان فلسفی، اصلاً شیوه تفسیری به شمار نمی‌آید و ذکر آن در اینجا صرف استطراد و تفکیک اقسام برخورد فلاسفه با آیات قرآن کریم می‌باشد.

### 6) اهمیت و ضرورت پژوهش

فلاسفه به تبیین حقیقت اشیا، می‌پردازد. فیلسوفی که همیشه بار تبیین حقیقت اشیا را با خود به يدك می‌کشد، در مواجهه با قرآن کریم نیز، با همین دیدگاه به آیات الهی مینگرد. او در واقع، به دنبال تبیین حقایق آیات الهی از منظر فلسفه خویش است، این دیدگاه، ما را تا حدودی و در حد وسعت اندیشه فیلسوفان، با حقایق آیات الهی آشنا می‌سازد. حقیقتی که آیات ناظر به تدبیر و تفکر در قرآن کریم، به نحوی به ضرورت آن اشاره می‌کند.

### 7) فایده پژوهش

الف) بعضی از آیات قرآن کریم، مخاطبان خود را از میان دانشمندان با قرن‌ها فاصله از عصر بعثت می‌جویند، و به تعبیر بعضی از روایات دانشمندان ژرف اندیش مخاطبان این آیاتند.<sup>2</sup> در این میان، فیلسوفان با تدبیر و تعمقی که در کشف حقایق به خرج می‌دهند، به نحوی

2. در بحث تفسیر نقلی به بعضی از این روایات اشاره خواهد شد.

جزء مخاطبان این آیات قرار گرفته و نقش مهمی در تبیین صحیح و دقیق آیات الهی بر عهده می‌گیرند.

ب) فیلسوفان به عنوان یکی از تأثیر گذارترین نظام های فکری در عالم اسلام مطرح می‌باشند. آشنایی با اندیشه‌های تفسیری آنان در فهمی حداقل دیگرگون از آیات قرآن کریم مؤثر است.

### **(8) سابقه پژوهش**

با وجود اهمیت و گستردگی تفسیر فلسفی قرآن کریم، کاری در خور شأن این روش تفسیری صورت نگرفته است. بیشتر نویسندگان آثار قرآنی بویژه آثاری که در غیر سرزمین فلسفه اسلامی یعنی ایران نوشته شده‌اند، کاری بجز نسبت های ناروا، نسبت به فلاسفه و آثار تفسیری آنان روا نداشته‌اند. در ایران پس از ملاصدرا نیز این روش تفسیری بجز مواردی نادر، به گونه فراموشی سپرده شده است بی مهری خاصی که همیشه نسبت به فلاسفه و فلاسفه بوده، دامنگیر تفسیر فلسفی نیز گردیده است. آثار معدودی هم که در این زمینه نوشته شده است، بسیار کم، از هم گسیخته و غالباً فاقد معیارهای لازم علمی و پژوهشی می‌باشند.

### **(9) هدف پژوهش**

این پژوهش به دنبال تبیین چگونگی مواجهه فیلسوفان در برابر قرآن کریم و بویژه دو شیوه تحلیل فلسفی و تأویل فلسفی می‌باشد.

### **(10) محدوده مطالعاتی**

این پژوهش آثار تفسیری نه فیلسوف و گروه فلاسفه را در بر می‌گیرد: کندی، فارابی، اخوان

الصفاء، ابن سینا، شیخ اشراق، ابن رشد، خواجه نصیر الدین طوسی، میرداماد و ملاصدرا.

### 11) روش پژوهش

الف) شیوه گرد آوری مطالب در این پژوهش، کتابخانه‌ای و روش پژوهش، تحلیلی می‌باشد.

ب) ابتدا گزارش مختصری از فیلسوف و نظام فلسفی او ارائه می‌شود، پس از آن، آثار تفسیری و چگونگی برخورد فیلسوف در مواجهه با آیات قرآن کریم و روش های گوناگونی که لحاظ کرده است، مورد نظر قرار می‌گیرد، اگر روشهایی غیر از روش تفسیر فلسفی دارد، بیان شده و در صورت لزوم، نمونه‌هایی نیز ذکر می‌شود. و در انتها روش تفسیر فلسفی فیلسوف با تفکیک دو شیوه تحلیل فلسفی و تأویل فلسفی، به‌مراه شیوه استحصانی او همراه با نمونه‌هایی، بیان می‌گردد.

ج) سعی فراوان شده است تا محوریت شیوه‌های استحصان فلسفی، تحلیل فلسفی و تأویل فلسفی، در حق تمامی فیلسوفان حفظ شود، تا علاوه بر حفظ انسجام نمونه‌های تفسیری، و پرهیز از لجام گسیختگی مباحث گسترده تفسیری فیلسوفان، امکان مقایسه کمی و کیفی آثار تفسیری، به همراه شیوه‌های تفسیری آنان فراهم گردد.

د) نمونه‌های منتخب در پژوهش، از لحاظ کمی بر اساس آنچه از آثار فیلسوفان بر جای مانده است و از لحاظ کیفی بر اساس قابلیت انطباق بر روشها و شیوه‌های تفسیری مورد نظر، برگزیده و انتخاب شده‌اند.

ه) سعی شده است از آثار موجود فیلسوفان، حداکثر استفاده بشود. مگر در آثار ملاصدرا که از فرط گستردگی آنها، مجبور شدیم تنها «تفسیر القرآن الکریم» و تعداد معدودی از آثار او را لحاظ کنیم.

و) در ذکر آثار فیلسوفان سعی شده است تا صرف گزارش محتوای آثار لحاظ نشود، بلکه تا

حد ممکن، عین عبارات فیلسوفان نیز پس از گزارش مختصری آورده شود، تا کیفیت عبارات و نوع برداشت از آثار آنها، به دور از برداشت های شخصی مشخص گردد.

(ز) بر آنیم تا در مقام پژوهش جنبه بی طرفی، درباره حجیت روشها و شیوه های تفسیری، بویژه تأویل فلسفی رعایت شده و در مقام داوری و ارزش گذاری آثار بر نیابیم مگر در صورتی که تفسیر ارائه شده توسط فیلسوفی، آنقدر واضح البطلان باشد، که در این صورت به بطلان آن اشاره خواهد شد.

(ح) این پژوهش از روش آماری، نموداری، و جداول نیز بی نصیب نمانده است. هر جا امکان مقایسه روشها و شیوه های تفسیری و جمع آوری مطالب درجداول فراهم آمده است، این امر صورت پذیرفته است. جداول و نمودارها در بخش ضمائم جمع آوری شده است.

## 12 محدودیتها

(الف) مدت زمان قانونی کم و گستردگی زیاد مطالب.

(ب) وجود منابع تحقیقاتی گسترده و سلایق علمی مختلف در مباحث علوم قرآنی، که باعث میگردید مباحث مربوط به این قسمت از پژوهش با کندی صورت پذیرد.

(ج) فقدان بسیاری از منابع ضروری که باعث عدم دسترسی به مطالب لازم و یا دسترسی به منابع ناقل و دست دوم میگردید.

(د) پراکندگی مباحث تفسیری فلاسفه، که سازماندهی پژوهش را با مشکل جدی روبرو میساخت.

(ه) عدم الگوی مناسب پژوهشی، با توجه به توجه کمی که در زمینه تفسیر فلسفی، مبذول شده است.



بخش اول:

# کلیات

## فصل اول:

# تفسیر

### 1- معنای لغوی تفسیر

واژه «تفسیر» در لغت معادل معانی زیر بکار رفته است:

«هویدا کردن، آنچه که معنا را روشن کند، پیدا و آشکار کردن و بیان نمودن معنی سخن، پیدا کردن و واگردن خبر پوششیده، بیان و آشکار ساختن چیزی، شرح و بیان، گزارش، گزاره، گشاده کردن، پیدا کردن، شرح کردن غامضی را، شرح کردن کلام خدا را، کشف کردن ظاهر قرآن، بیان ادراک معانی و حقایق قرآن، آشکار کردن غوامض سخن»<sup>3</sup>

«پدید کردن» «ابانه، تبیین، تفصیل و ایضاح و کشف» «جدا کردن و بیان و توضیح دادن شیء، پیدا کردن و آشکار ساختن امر پوششیده، کشف معنای معقول، اظهار معنای معقول، نظر کردن بر ادراک بیمار برای پی بردن به بیماری، کشف مراد از لفظ مشکل، کشف معنای لفظ و اظهار آن، ایضاح معنای لفظ، شرح قصه های مجمل قرآن کریم، شرح دادن مطلب پنهان، آشکار کردن جنبه های پنهان، بیان و تشریح معنا و لفظ آیات قرآن و «معنی و

3. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج پنجم، چاپ دوم، از دوره جدید، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1377 ه.ش، ص 6853.

مؤدی»<sup>4</sup>

بعضی از محققین، معانی مذکوره را در چهار دسته قرار داده‌اند، با اندکی تغییر آنها را در پنج دسته قرار می‌دهیم:

- 1- معانی مطلق بدون ذکر متعلق، مانند: بیان، ابانه، جدا کردن، شرح و بیان.
  - 2- معانی مطلق با ذکر متعلق عام، مانند: بیان و توضیح چیزی و آشکار ساختن امر پوشیده.<sup>5</sup>
  - 3- معانی مخصوص به امور معقول و نامحسوس، مانند: کشف معنای معقول، اظهار معنای معقول و شرح معنای مبهم.
  - 4- معانی مخصوص به لفظ و سخن، مانند: شرح غوامض سخن، کشف معنای لفظ و اظهار آن، توضیح دادن معنای لفظ، تبیین و ایضاح حدیث، کشف مراد از لفظ مشکل، یافتن و آشکار کردن خبر پوشیده.
  - 5- معانی مخصوص به قرآن، مانند: شرح قصه‌های مجمل قرآن کریم، شرح کردن کلام خدا، کشف کردن ظاهر قرآن، بیان و تشریح معنا و لفظ آیات قرآن.<sup>6</sup>
- با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت: معانی ذکر شده در این امر مشترکند که واژه «تفسیر» در جایی بکار می‌رود که نوعی ابهام در لفظ وجود داشته باشد. عملی که برای رفع این ابهام صورت می‌گیرد، «تفسیر» نامیده می‌شود. از اینجا تفاوت عمده میان «ترجمه» و «تفسیر» آشکار می‌شود. زیرا اولاً ترجمه از زبانی به زبان دیگر صورت می‌گیرد و ثانیاً ترجمه عبارت است از توضیح بدون رفع ابهام، چه اینکه اصلاً ابهامی وجود نداشته باشد و یا اینکه ابهام باشد، ولی توضیح مورد نظر، رفع آن ابهام را ننموده باشد. در حالی که تفسیر در جایی به کار می‌رود که اولاً،

4. محمود رجبی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، 1379 ه.ش، ص 10.

5. قسم اول و دوم یکی شمرده شده بود.

6. محمود رجبی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، پیشین، ص 7 تا 9.

ابهامی باشند، و ثانیاً توضیحی برای رفع آن ابهام بکار رفته باشد. این نکته‌ای است که مرحوم شهید آیه‌الله سیدمحمدباقر صدر، آن را به عنوان نظر غالب اصولیین معرفی می‌کند، ولی نمی‌پذیرد و نظریه جدیدی ارائه کرده و ظهور را به دو قسم بسیط و پیچیده تقسیم می‌کند:

«ظهور بسیط عبارت است از يك ظهور واحد مستقل و منفصل از دیگر ظهورات، ظهور پیچیده عبارت است از ظهوری که تکوین یافته و نتیجه مجموعه‌ای از ظهورات است که در یکدیگر تأثیر گذارده‌اند. بعنوان مثال شخصی يك بار به فرزندش می‌گوید: هر روز کنار دریا برو و بار دیگر می‌گوید: «هر روز کنار دریا برو و به سخنان او گوش فرا ده» ظهور در جمله اول بسیط است، چرا که آنچه به ذهن متبادر می‌شود، دریا و آب است و احتمال دیگری نیست، اما در جمله دوم دو ظهور هست: یکی همان ظهور سابق که دریا و آب است. و ظهور دیگر آنکه فرزند بایستی به سخن پدر گوش فرا دهد. آنچه در این میان به ذهن متبادر می‌گردد، این است که مراد از دریا، «دریای آب» نیست، بلکه دریای علم است که سخن می‌گوید. پس ظهور اول، دال بر «دریای آب» و ظهور دوم، دال بر «دریای علم» می‌باشند. این دو ظهور با یکدیگر، تعارض و در عین حال تعامل دارند. ظهور مرکب از تعامل و داد و ستد بین دو ظهور متعارض را «ظهور معقد» یا «ظهور مرکب» می‌نامیم.

پس از تفکیک میان ظهور بسیط و مرکب می‌توان گفت، تفسیر عبارت است از روشن گردانیدن مراد و مقصود معقد و مرکب در کلام و مشخص کردن معنا بر اساس آن. زیرا همان تعقید و ترکیب در کلام، درجه‌ای از ناآشنکاری و پیچیدگی دارد که در خود کشف و ابانه است. و در نتیجه عنوان تفسیر بر آن صدق می‌کند. اما در مواردی که ظهور کلام از نوع

ظهور بسیط است غالباً روشن کردن معنای کلام بر اساس آن بعنوان «تفسیر» شناخته نمی‌شود. زیرا معنای کلام بخودی خود ظاهر است و نیازی به اظهار ندارد.<sup>7</sup>

آنچه در قبال ایشان می‌توان گفت، این است که معنایی که ایشان از تفسیر ارائه کردند اگر چه راه «تفسیر» را از «ترجمه» جدا می‌کند ولی باتأویل در حیطه الفاظ همخوانی داشته و شامل آن نیز می‌شود. مرز این دو به خوبی از هم تفکیک نشده است. بنابراین، تعریف ایشان از «تفسیر» تعریف به اعم است. پس ما نظر غالب اصولیین را پذیرفته و بر آن صحنه می‌گذاریم.

## 2- ریشه لغوی تفسیر

در این که ریشه لغوی «تفسیر» چیست، دو نظر عمده میان لغت شناسان وجود دارد:

1— نظریه غالب این است که «تفسیر» از ماده «فسر» گرفته شده است. تنها تفاوتی که میان این دو واژه هست، خصوصیت باب تفعیل است که یکی از معانی آن مبالغه می‌باشد.<sup>8</sup> بنابراین «فسرت الشیء» به معنای «آن را توضیح دادم» و «فسرت الشیء» (با تشدید سین) به معنای «آن را به خوبی توضیح دادم» می‌باشد.<sup>9</sup>

2— برخی از لغت شناسان «تفسیر» و «فسر» را طبق قاعده اشتقاق کبیر<sup>10</sup> مقلوب «سفر» می‌دانند. دلیل اینان، تشابه معنوی این دو واژه در بعضی از استعمالات است. ابن فارس در معجم

7. محمدباقر الحکیم، علوم القرآن، الطبعة الثالثة، قم، مجمع الفكر الاسلامی، 1417ه.ق، ص 218 و 219.

8. محمود رجبی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، پیشین، ص 6.

9. محمدکاظم شاکر، مبانی و روش های تفسیری، چاپ اول، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، 1381ه.ش، ص 15.

10. اشتقاق بنابر مشهور سه گونه است: (1) اشتقاق صغیر آن اشتقاقی است که مشتق و مشتق منه هم در تمام حروف اصلی مشترک باشند و هم در ترتیب بین حروف (2) اشتقاق کبیر و آن اشتقاقی است که مشتق و مشتق منه در تمام حروف اصلی مانند هم بوده ولی در ترتیب، مغایرت داشته باشند مانند جذب و جذب (3) اشتقاق اکبر و آن اشتقاقی است که در آن مشتق و مشتق منه در بیشتر حروف اصلی، مشترک و در بعضی از حروف اصلی متفاوت باشند مانند قضم و خصم. رجوع کنید به، علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، جلد دوم، چاپ دوم، از دوره جدید، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1377ه.ش، ص 2615 تا 2618.

مقایس اللغة می نویسد: سین و فاء و راء در اصل یکی هستند که دلالت بر انکشاف و آشکار شدن می کنند»<sup>11</sup> از هری در معجم تهذیب اللغة می نویسد: «سفرت المرئنه عن وجهها زمانی گفته می شود که زن، چهره خود را آشکار کند»<sup>12</sup> ابن منظور در لسان العرب می نویسد: «سفر... اصل آن به معنی انکشاف می باشد»<sup>13</sup>

در مقابل قائلین به این نظریه و توجیهات آنان بر اشتقاق «تفسیر» و «فسر» از «سفر»، دلائل چندی اقامه شده است:

- 1- صرف همگونی و تناسب بین معانی، اعم از اشتقاق است.<sup>14</sup>
  - 2- غالب لغت شناسان این اشتقاق را ذکر نکرده اند و تنها بعضی با استنباط شخصی خویش و بدون دلیل روشن آن را مطرح کرده اند.<sup>15</sup>
  - 3- اصل در لغات عدم اشتقاق است و ادعای اشتقاق و قلب بر خلاف اصل می باشد.<sup>16</sup>
  - 4- ماده «فسر» بصورت متعدی و «سفر» بیشتر بصورت لازم بکار می رود.<sup>17</sup>
  - 5- بررسی دقیق متعلقات کشف در دو واژه «فسر» و «سفر» نشانگر اختلاف متعلقات کشف در این دو واژه است.
- «تفسیر» و «فسر» بیشتر در مورد اظهار معنای معقول و آشکار کردن مطالب علمی و معنوی استعمال می شود «سفر» در خصوص آشکار کردن اعیان و اشیاء خارجی و محسوس بکل می رود. راغب در مفردات، به تفاوت متعلقات این دو واژه اشاره می کند. در مورد «سفر» می نویسد:

11. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، الطبعة الاولى، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1422 ه.ق، ص 462.

12. محمد بن احمد از هری، معجم تهذیب اللغة، المجلد الثانی، الطبعة الاولى، بیروت، دار المعرفه، 1422 ه.ق، ص 1701.

13. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، المجلد السادس، الطبعة الاولى، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1407 ه.ق، ص 276.

14. محمود رجبی، روش شناسی تفسیر قرآن، پیشین، ص 8.

15. همان.

16. مساعد بن سلیمان الطیار، مفهوم التفسیر و التأویل و الاستنباط و التدبر و المفسر، الطبعة الاولى، الرياض، دار ابن جوزی، 1423 ه.ق، ص 53.

17. محمد کاظم شاکر، میانی و روش های تفسیری، پیشین، ص 16.

«سفر، برداشتن پرده را گویند و مختص به اعیان و اجسام است. سفر العمامة عن الرأس و الخمار عن الوجه، یعنی عمامه را از سر برداشت و روپوش از چهره بر گرفت»<sup>18</sup> و درباره فسر می‌نویسد: «فسر، به معنای آشکار کردن معنای معقول است.»<sup>19</sup>

### 3- معنای اصطلاحی تفسیر

سه دیدگاه عمده در معنای اصطلاحی تفسیر وجود دارد:

(الف) برخی گفته‌اند: علم تفسیر، قابل تعریف نیست، زیرا علم تفسیر مانند دیگر علوم و شبیه علوم عقلی و قواعد و ملکاتی نیست که از راه تمرین قواعد بدست آید، و در توضیح تفسیر کافی است بگوییم، تفسیر، بیان کلام خداست یا اینکه آشکار کننده الفاظ قرآن و مفهوم آن الفاظ است. این نظر را دکتر ذهبی بدون ذکر قائل آن ذکر می‌کند.<sup>20</sup>

(ب) برخی از مفسران تعریفی برای تفسیر ارائه نداده و در باره قابل تعریف بودن و نبودن آن اظهار نظری نکرده‌اند. شاید به معنای متفاهم عرفی و لغوی آن بسنده کرده‌اند، به بعضی از موارد اشاره می‌کنیم: طبری در جامع البیان، شیخ طوسی در تبیان، زمخشری در کشاف، فخر رازی در تفسیر کبیر، شبر در تفسیر القرآن الکریم، ابن تیمیه در التفسیر الکبیر و بیضاوی در انوار التنزیل.<sup>21</sup>

(ج) برخی از مفسران، دانشمندان علوم قرآنی، کتاب شناسان اسلامی و لغت شناسان تعاریف مختلفی از تفسیر ارائه کرده‌اند که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

(1) بغوی: «تفسیر» سخن گفتن در اسباب نزول آیه و شأن و قصه آن است.<sup>22</sup>

18. محمد بن مفضل راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، الطبعة الأولى، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1418 ه.ق، ص 262.

19. همان، ص 425.

20. محمد حسین الذهبی، التفسیر و المفسرون، الجزء الاول، الطبعة السابعة، قاهره، مکتبة وهبة، 1421 ه.ق، ص 12.

21. محمود رجبی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، پیشین، ص 12.

22. حسین بن مسعود بغوی، معالم التنزیل، الجزء الاول، الطبعة الرابعة، الرياض، دار طیبه للنشر و التوزیع، 1997م، ص 46.



- (2) ابو علی طبرسی: «تفسیر» کشف مراد از لفظ مشکل است.<sup>23</sup>
- (3) شیخ ابوالفتوح رازی: «تفسیر» علم سبب نزول آیات باشد و علم به مراد خدای تعالی.<sup>24</sup>
- (4) کلبی: «معنای تفسیر» شرح قرآن و بیان معنای آن و آشکار کردن چیزی است که با تصریح و اشاره و فحواش آن را اقتضاء می‌کند.<sup>25</sup>
- (5) ابوحیان اندلسی: «تفسیر» علمی است که در آن از چگونگی تلفظ الفاظ قرآن و مدلول های آن و احکام فردی و ترکیبی و معنایی که الفاظ قرآن در حال ترکیب بر آنها حمل می‌شوند، و تتمه هایی در آن باب، بحث می‌شود.<sup>26</sup>
- (6) زرکشی: او در کتاب «البرهان فی علوم القرآن» دو تعریف برای تفسیر ذکر می‌کند، یکی در ابتدای کتاب و دیگری در نوع چهل و یکم از مطالب کتاب:
- الف: «تفسیر» علمی است که بوسیله آن، فهم کتاب خدا که بر پیامبرش، محمد «صلی الله علیه و آله» نازل شده و بیان معانی استخراج احکام و حکمت های آن بدست می‌آید.<sup>27</sup>
- ب: «تفسیر» دانستن شأن نزول آیه و سوره قرآن و قصه ها و اشاره هایی که در آن نازل شده، و سپس دانستن ترتیب مکی و مدنی و بیان محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، خاص و عام، مطلق و مقید و مجمل و مفسر آن است.<sup>28</sup>

---

23. ابو علی طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، المجلد الاول، الطبعة الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1997م، ص 13.

24. ابوالفتوح رازی، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، جلد اول، چاپ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی، 1377ه.ش، ص 24.

25. محمد بن احمد کلبی، التسهیل لعلوم التنزیل، الجزء الاول، بیروت، دارالارقم، ص 15.

26. جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، المجلد الثانی، الطبعة الثالثة، بیروت، دار ابن کثیر، 1416ه.ق، ص 1191.

27. بدر الدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، الجزء الاول، الطبعة الثانیة، بیروت، دار المعرفة، 1415 ه.ق، ص 104 و 105.

28. همان، الجزئ الثانی، ص 284.

- 7) حاجی خلیفه: «تفسیر» علمی است که از معنای نظم قرآن به حسب طاقت بشر و به حسب قواعد عربی بحث می‌کند.<sup>29</sup>
- 8) شیخ آقا بزرگ تهرانی: «تفسیر» بیان ظواهر قرآن بر اساس قواعد و لغت عرب است.<sup>30</sup>
- 9) زرقانی: تفسیر، علمی است که در آن از احوال قرآن مجید از حیث دلالتش بر مراد خدای متعال، به قدر طاقت بشر، بحث می‌شود.<sup>31</sup>
- 10) آیه الله خویی: «تفسیر»، آشکار کردن مراد خدای متعال از کتاب عزیز اوست.<sup>32</sup>
- 11) شهید سید محمد باقر صدر: «تفسیر» به عنوان يك علم، عبارت است از علمی که از قرآن کریم، به عنوان کلام خداوند متعال بحث می‌کند.<sup>33</sup>
- 12) علامه طباطبائی: «تفسیر» بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدالیل آنهاست.<sup>34</sup>
- تذکر چند نکته ضروری بنظر می‌رسد:
- 1— این تعاریف، شرح الاسم بوده و شأنیت حد تام را ندارند، به همین جهت تلاش در پیدا کردن معایب این تعاریف، همچنانکه بعضی از محققین به آن پرداخته‌اند، امری ناصواب است.
  - 2— بیشتر این تعاریف، از معنای لغوی تفسیر که آشکار کردن و خصوصیت رفع ابهام است، عدول نکرده‌اند. این معنا تقریباً در همه تعاریف لحاظ شده است.
  - 3— دکتر محمدحسین علی صغیر خواسته است، تعاریف پراکنده تفسیر را در نظامی

29. مصطفی ابی عبدالله حاجی خلیفه، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، المجلد الاول، الطبعة الاولى، بیروت، دارالفکر، 1419 ه.ق، ص 353.

30. آقا بزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، المجلد الرابع، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالأضواء، 1403 ه.ق، ص 232.

31. محمد عبدالعظیم الزرقانی، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، الجزء الثانی، الطبعة الاولى، القاهرة، دارالحديث، 1422 ه.ق، ص 7.

32. ابوالقاسم الموسوی الخویی، *البیان فی تفسیر القرآن*، انوار الهدی، ص 397.

33. محمد باقر حکیم، *علوم قرآنی*، محمد علی لسانی فشارکی، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، 1378 ه.ش، ص 232.

34. محمد حسین طباطبائی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، المجلد الأول، الطبعة الثالثة، بیروت، مؤسسه الأعلمی، 1391 ه.ق، ص 4.

منسجم و منضبط گرد آوری کند. او در این باره می‌نویسد:

«اما معنای اصطلاحی تفسیر، بعضی در آن توسعه داده و آن را شامل تمامی علوم قرآنی دانسته‌اند. بعضی آن را تنها در حیطه دلالت موضوعی الفاظ قرآن و مدلولها و احکام افرادی و ترکیبی آن جاری دانسته‌اند. قسم سومی هست که به تمامی آنچه در قرآن است، باز می‌گردد.

تعریف زرکشبی، قسم اول، تعریف ابوحیان اندلسی قسم دوم و تعریف زرقانی قسم سوم است.»<sup>35</sup>

او سومین قسم را به دلالت اصطلاحی تفسیر، نزدیک‌تر می‌داند.

آنچه در قبال ایشان می‌توان گفت، این است که توجه به چند تعریف خاص و غفلت از تعاریف دیگر، نمی‌تواند نظامی منسجم که شامل جمیع تعاریف باشد، بسازد. اما اینکه تعریف قسم سوم را بهترین می‌داند، خالی از وجه نیست و مطلوب ما هم، همین است. توضیح مطلب این است که وجه مشترک همه تعاریف این تعریف است: «التفسیر ایضاح ما فی القرآن» اما اینکه ایضاح در خصوص قرآن به چه معنایی است و مصادیق آن چیست و همچنین ما فی القرآن یعنی چه؟ و مصادیق آن کدام است سخنی است که در تعاریف مختلف به تعبیر گوناگون آورده شده است.

اختلاف تعاریف در اختلاف تعبیر است. تعریف کنندگان تفسیر به اقتضای تخصص و معلوماتی که داشته‌اند، در این باره اظهار نظر کرده‌اند. مراد از «ایضاح» رفع ابهام خاصی از الفاظ قرآن کریم است که فراتر از ترجمه و فروتر از تأویل است. ترجمه نیست چون ترجمه کشف قناع نمی‌کند. تأویل نیست، چون غیر از خداوند متعال و راسخان در علم، اشخاص دیگری نیز

35. محمدحسین علی الصغیر، *دراسات قرآنیة، المبادئ العامة لتفسیر القرآن الکریم*، الطبعة الثانیة، مکتب نشر اعلام اسلامی، 1413، ص 16 تا 18.

می‌توانند به آن پی ببرند.

#### 4- واژه «تفسیر» در قرآن کریم

این واژه تنها يك بار به کار رفته است که خداوند متعال پس از ذکر پاره‌ای از ایرادهای کافران و پاسخ به آنها می‌فرماید:

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا (فرقان/ 33)

درباره معنای «تفسیر» در این آیه شریفه دو نظر عمده وجود دارد:

الف) اکثر مفسران آن را به معنی مصدری یعنی بیان، کشف، تفضیل و دلالت دانسته‌اند که مرادف با معنای لغوی است.

ب) برخی نیز این واژه را به معنای وصفی یعنی «معنی و مؤدی» دانسته‌اند.

به نظر می‌رسد که رأی دوم نادرست باشد. زیرا اولاً استعمال مصدر در معنای وصفی مجاز است و قرینه‌ای هم بر مجاز گویی نداریم. ثانیاً لغت شناسان چنین معنایی را درباره این واژه ذکر نکرده‌اند. و ثالثاً استعمال «تفسیر» در این آیه شریفه به معنای مصدری موافق با ظاهر و سیاق آیات است.<sup>36</sup>

---

36. محمود رجبی، *روش‌شناسی قرآن*، پیشین، ص 10 و 11.